

الله  
الرحمن الرحيم  
وصلى الله على محمد وآل محمد الطاهرين

تَهْدِيم بَيْكَ لِجَنْدِ زَيْبَانِي مَادُوكَيْكَ لِخَاهِ اِمَدْوارِدَر؛ اِزْتَامَ دُورَانَ تَنْگَيِ خُوكَه  
بَهْسَيْ كَحْفَطَهَاشِ رَابَهْ نُوازَشْ خُورَشِيدَهْ اِزْشَمَدَهْ هَمَبَانَ وَجُودَشَانَ مَدِيْنَمْ.

# گونه‌شناسی رفتار سیاسی مراجع تقلید شیعه

(۱۳۳۲-۱۳۵۷)

نویسنده

سید حسن هاشمیان فر

مقدمه

دکتر غلامرضا خواجه سروی

انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)  
تهران: بزرگراه شهید چمران،  
پل مدیریت  
تلفکس: ۱۴۲۰-۸۸۳۷۰  
صندوق پستی: ۱۴۶۵۵-۱۵۹  
E-mail: isu.press@yahoo.com



گونه‌شناسی رفتار سیاسی مراجع تقلید شیعه ■ تألیف: سید حسن هاشمیان فر ■ با مقدمه:  
دکتر غلامرضا خواجه‌سروری ■ ناشر: دانشگاه امام صادق(ع) ■ طراح جلد: گلناز حسامی ■ ویراستار:  
روح الله فیض‌الهی ■ چاپ اول: ۱۳۹۰ ■ قیمت: ۱۵۰۰ ریال ■ شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه  
چاپ و صحافی: زلال کوثر ■ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۵۸۶  
همه حقوق محفوظ و منتعلق به ناشر است.

سرشناسه: هاشمیان فر، حسن - ۱۳۵۸  
عنوان و نام پدیدآور: گونه‌شناسی رفتار سیاسی مراجع تقلید شیعه ۱۳۵۷ - ۱۳۳۲ / نویسنده سید حسن هاشمیان فر؛ مقدمه غلامرضا خواجه‌سروری.  
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۰، ۳۳۲ ص.  
مشخصات ظاهری: شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۰۵۸-۶، ۰۵۸-۲۱۴-۶۰۰-۹  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
موضوع: روحانیت -- ایران -- فعالیت‌های سیاسی  
موضوع: شیعه -- روحانیت -- سرگذشتگان  
شناسه افزوده: خواجه سروری، غلامرضا، ۱۳۳۷ - مقدمه نویس  
شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق(ع)  
ردی فنی: ۱۳۹۰-۷DSR/۹۲۳-۱۴۰-۷  
ردی فنی: ۰۵۰/۸۵۵-۷۰۵-۹  
شماره کتابخانه ملی: ۱۹۳۲۲۳۲

## فهرست مطالب

سخن ناشر.....	۱۳
پیشگفتار.....	۱۵
مقدمه: فقه سیاسی شیعه؛ از حاشیه تا متن.....	۲۳
کلیات.....	۲۳
۱. دوره اول: حاشیه‌نشینی فقه سیاسی شیعه.....	۲۴
۲. دوره دوم: بسط سیاسی در متن اندیشه تشیع.....	۲۸
۳. اشتراک و افتراق دو جریان اصلی فقه سیاسی معاصر.....	۳۶
۳-۱. اجماع نظر فقها در غایت فقه سیاسی.....	۳۷
۳-۲. اختلاف فقها در مصادیق فقه سیاسی.....	۴۰
فرجام سخن.....	۴۲
منابع و مأخذ.....	۴۵
بخش اول: کلیات منحومی و ماریخی.....	۴۷
فصل ۱. مبانی نظری.....	۴۹
۱-۱. تلقی شیعه از حکومت.....	۴۹
۱-۱-۱. برهان‌های نقلی.....	۵۱
۱-۱-۲. برهان عقلی.....	۵۴

## ۶ □ گونه‌شناسی رفتار سیاسی مراجع تقلید شیعه

۵۵ .....	۱-۲. نظریه‌های دولت در فقه شیعه .....
۵۶ .....	۱-۲-۱. نظریه مشروعیت الهی - مردمی .....
۵۷ .....	۱-۲-۲. نظریه مشروعیت الهی با لاآسطه فقیهان .....
۵۸ .....	ماحصل و مرور فصل .....
۶۰ .....	منابع و مأخذ .....

## فصل ۲. تاریخچه رفتار سیاسی مراجع شیعه .....

۶۵ .....	۲-۱. کم‌توجهی مراجع به فقه عمومی .....
۶۵ .....	۲-۲. دوره‌های رشد و نمو فقه شیعه .....
۶۷ .....	۲-۲-۱. دوره اول: زمان حضور امام معصوم(ع) .....
۶۸ .....	۲-۲-۲. دوره دوم: دوران رویکرد به سلطان عادل .....
۷۴ .....	۲-۲-۳. دوره سوم: مشروعیت بخشیدن به سلطان عادل .....
۸۱ .....	۲-۲-۴. دوره چهارم: رویکرد به حکومت مردمی و عرفی .....
۹۱ .....	ماحصل و مرور فصل .....
۹۳ .....	منابع مأخذ .....

## بخش دوم: کونه‌های رفتار سیاسی مراجع شیعه .....

۱۰۱ .....	۳-۱. آیت‌الله بروجردی .....
۱۰۱ .....	۳-۲. زندگی نامه .....
۱۰۳ .....	۳-۳. نظریه سیاسی .....
۱۰۷ .....	۳-۴. فعالیت‌های تبلیغی و تقریب مذاهب .....
۱۱۰ .....	۴-۳. فعالیت سیاسی .....

فهرست مطالب □ ۷

۱۱۰	۳-۴-۱. سال‌های تحکیم مرجعیت
۱۱۲	۳-۴-۲. جلوگیری از برنامه‌های خلاف شرع
۱۱۷	۳-۴-۳. ملی شدن صنعت نفت و فدائیان اسلام
۱۲۰	۳-۴-۴. اصلاحات ارضی
۱۲۱	ماحصل و مرور فصل
۱۲۳	منابع و مأخذ
۱۲۹	فصل ۴. آیت‌الله گلپایگانی
۱۲۹	۴-۱. زندگینامه
۱۳۱	۴-۲. نظریه سیاسی
۱۳۴	۴-۳. فعالیت‌های تبلیغی
۱۳۶	۴-۴. فعالیت سیاسی
۱۳۶	۴-۱-۴. لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی
۱۳۷	۴-۲. رفراندوم لوایح شش‌گانه
۱۳۸	۴-۳. حمله به فیضیه
۱۴۱	۴-۴. رویداد ۱۵ خرداد
۱۴۳	۴-۵. تبعید امام خمینی و رویدادهای پس از آن
۱۴۶	۴-۶. رویدادهای انقلاب اسلامی
۱۵۳	ماحصل و مرور فصل
۱۵۵	منابع و مأخذ
۱۵۹	فصل ۵. آیت‌الله شریعتمداری
۱۵۹	۵-۱. زندگی نامه
۱۶۱	۵-۲. نظریه سیاسی

## ۸ □ گونه‌شناسی رفتار سیاسی مراجع تقلید شیعه

۱۶۵.....	۵. فعالیت‌های تبلیغی و تقریب مذاهب .....
۱۶۸.....	۴. فعالیت سیاسی .....
۱۶۸.....	۱-۴-۵. لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی .....
۱۶۹.....	۲-۴-۵. رفراندوم لوایح شش‌گانه .....
۱۷۱.....	۳-۴-۵. رویداد ۱۵ خرداد .....
۱۷۳.....	۴-۴-۵. کاپیتولاسیون و تبعید امام خمینی .....
۱۷۶.....	۵-۴-۵. رویداد ۱۹ دی ماه قم .....
۱۷۷.....	۶-۴-۵. رویداد ۲۹ بهمن تبریز .....
۱۷۸.....	۷-۴-۵. مصاحبه با رسانه‌ها .....
۱۸۰.....	۸-۴-۵. رویداد ۱۷ شهریور .....
۱۸۰.....	۹-۴-۵. خروج شاه از کشور .....
۱۸۲.....	ماحصل و مرور فصل .....
۱۸۴.....	منابع و مأخذ .....

۱۸۹.....	فصل ۶. آیت‌الله سید احمد خوانساری .....
۱۸۹.....	۱-۶. زندگی نامه .....
۱۹۱.....	۲-۶. نظریه سیاسی .....
۱۹۰.....	۳-۶. فعالیت‌های سیاسی .....
۱۹۵.....	۱-۳-۶. ملی شدن صنعت نفت .....
۱۹۵.....	۲-۳-۶. لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی .....
۱۹۶.....	۳-۳-۶. رفراندوم لوایح شش‌گانه .....
۱۹۹.....	۴-۳-۶. رویداد ۱۵ خرداد .....
۲۰۲.....	۵-۳-۶. تبعید امام خمینی .....
۲۰۵.....	۶-۳-۶. رویدادهای انقلاب اسلامی .....

## ۹ فهرست مطالب

۲۰۷	ماحصل و مرور فصل
۲۰۸	منابع و مأخذ
۲۱۳	فصل ۷. آیت الله خویی
۲۱۳	۱-۷. زندگی نامه
۲۱۵	۲-۷. نظریه سیاسی
۲۱۹	۳-۷. فعالیت‌های سیاسی
۲۱۹	۷-۳-۱. لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی
۲۲۰	۷-۳-۲. رفراندوم لوایح شش گانه
۲۲۰	۷-۳-۳. حمله به فیضیه
۲۲۲	۷-۳-۴. رویداد ۱۵ خرداد
۲۲۳	۷-۳-۵. تبعید امام خمینی
۲۲۳	۷-۳-۶. رویدادهای انقلاب
۲۲۶	ماحصل و مرور فصل
۲۲۸	منابع و مأخذ
۲۳۱	فصل ۸. آیت الله میلانی
۲۳۱	۱-۸. زندگی نامه
۲۳۲	۲-۸. فعالیت‌های تبلیغی و تقویت جایگاه روحانیت
۲۳۵	۳-۸. فعالیت‌های سیاسی
۲۳۷	۷-۳-۱. لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی
۲۳۷	۷-۳-۲. رفراندوم لوایح شش گانه
۲۳۸	۷-۳-۳. رویداد ۱۵ خرداد
۲۴۱	۷-۳-۴. کاپیتولاقسیون

## ۱۰ □ گونه‌شناسی رفتار سیاسی مراجع تقلید شیعه

۲۴۲	۸-۳-۵	پس از تبعید امام خمینی
۲۴۴	ماحصل و مرور فصل	
۲۴۶	منابع و مأخذ	

### فصل ۹. آیت‌الله حکیم

۲۵۱	۹-۱	زنگی نامه
۲۵۱	۹-۲	آیت‌الله حکیم و اوضاع سیاسی عراق
۲۵۲	۹-۳	فعالیت سیاسی
۲۵۴	۹-۳-۱	کودتای ۱۹۵۸
۲۵۶	۹-۳-۲	مبارزه با کمونیسم
۲۵۷	۹-۳-۳	کودتای ۱۹۷۳
۲۶۰	۹-۳-۴	کودتای ۱۹۷۷
۲۶۰	۹-۳-۵	تشش در روابط ایران و عراق
۲۶۱	۹-۳-۶	تهاجم دولت به علماء
۲۶۲	ماحصل و مرور فصل	
۲۶۴	منابع و مأخذ	

### فصل ۱۰. امام خمینی رهنما

۲۶۷	۱۰-۱	زنگی نامه
۲۶۷	۱۰-۲	نظریه سیاسی
۲۶۹	۱۰-۲-۱	ضرورت براندازی حکومت طاغوت
۲۷۵	۱۰-۲-۲	حکومت پیشنهادی امام خمینی
۲۷۶	۱۰-۲-۳	جمع‌بندی نظریه سیاسی امام خمینی
۲۷۹	۱۰-۳	فعالیت سیاسی

## فهرست مطالب □ ۱۱

۲۸۱	۱۰-۳-۱	۱. لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی
۲۸۲	۱۰-۳-۲	۲. رفراندوم لواجع شش‌گانه
۲۸۳	۱۰-۳-۳	۳. رویداد ۱۵ خرداد
۲۸۵	۱۰-۳-۴	۴. کاپیتولاسیون و تبعید
۲۸۸	۱۰-۳-۵	۵. درگذشت سید مصطفی خمینی
۲۹۱	۱۰-۳-۶	۶. رویداد ۱۹ دی قم
۲۹۲	۱۰-۳-۷	۷. رویداد ۲۹ بهمن تبریز
۲۹۳	۱۰-۳-۸	۸. رویدادهای سال ۱۳۵۷
۲۹۸	۱۰-۳-۹	۹. پیروزی انقلاب و عزیمت به قم
۳۰۰		ماحصل و مرور فصل
۳۰۲		منابع و مأخذ
۳۰۹		جمع بندی و نتیجه‌گیری
۳۱۷		کتابنامه



«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَلَقَدْ أَتَيْنَا دَأْوَدَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَاتَلَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
فَضَلَّنَا عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ  
(قرآن کریم، سوره مبارکه النحل آیه شریفه ۱۵)

## سخن ناشر

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق علیه السلام که ازسوی ریاست دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته، تربیت نیروی انسانی ای متعدد، باتقوای و کارآمد در عرصه عمل و نظر است تا این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در سطح راهبردی به انجام رساند.

از این حیث «تربیت» را می توان مقوله ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می یابد؛ زیرا که «علم» بدون «ترکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می سازد.

از سوی دیگر «سیاست ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست ها در گرو انجام پژوهش های علمی و بهرمندی از نتایج آنهاست. از این منظر پیشگامان

عرضه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشنانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق علیه السلام درواقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که بیش از «ربع قرن» تجربه دارد و هم اکنون ثمرات نیکوی این شجره طیبه در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیانگذاران و دانش آموختگان این نهاد است که امید می‌رود در طیعه دور جدید فعالیتش بتواند به توسعه و تقویت آنها در پرتو عنایات حضرت حق تعالی، اهتمام ورزد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آنها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق علیه السلام را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. (انشاء الله)

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

## پیشگفتار

یکی از بنیادی‌ترین امور ضروری بشر، وجود حکومت عادلانه‌ای است که پاسدار حقوق جامعه باشد. جوامع بشری در طول تاریخ حتی در سده‌های نخستین نیز به هیچ وجه بدون یک نظام اجتماعی و چیزی شبیه به دولت و حکومت نبوده‌اند. ضرورت وجود حکومت و دولت برای جامعه تا جایی است که حتی در شرایط اضطرار، حکومت ستمگر با همه رشتی‌ها و پلیدی‌هایی که دارد از بی‌حکومتی و هرج و مرج بهتر است. امام علی(ع) می‌فرماید: «ولی ستمگر کینه‌توز، از فتنه و هرج و مرج مداوم بهتر است.<sup>۱</sup>» از نظر ایشان «مردم مجبورند امیر و خلیفه‌ای داشته باشند که نیکوکار باشد یا بد کار که در دوران حکومت او شخص مومن اعمال خود را انجام دهد و کافر هم به بهره‌های دنیاگی خود برسد<sup>۲</sup>». پیامبر اسلام نیز از همان نخستین لحظات هجرت به مدینه، زمینه‌های تشکیل دولت اسلامی را فراهم آورد و دولتی مقندر تشکیل داد.

از این رو می‌توان گفت در اسلام، رهبری سیاسی از رهبری دینی جدا نبوده است. پس از درگذشت پیامبر(ص) هم هیچ یک از مسلمانان در ضرورت و وجوب تشکیل حکومت و نیاز جامعه به امامت و رهبری شک

نکردند اما اختلاف میان مسلمانان از آنجا آغاز شد که آیا پیامبر برای پس از خود جانشینی معین نموده است یا خیر؟ کسانی که معتقد بودند پیامبر برای خود جانشین معین نکرده است، به «أهل سنت» و کسانی که معتقد بودند پیامبر برای پس از خود جانشین معین نموده است، به «شیعه» مشهور شدند. اهل سنت تن به اطاعت از حکومت خلفای راشدین دادند و پس از آن مشروعيت حکومت امویان و عباسیان را پذیرا شدند اما شیعه با استناد به رفتار امام علی(ع) مبنی بر خودداری اولیه حضرت و یاران وی در بیعت با ابویکر مبنای مشروعيت متفاوتی را برای خود بیان کردند. شیعه حکومت‌های پس از امام حسن(ع) را نامشروع می‌داند و تبعیت از فرمان‌ها و سنت زندگی امامان را سرلوحه کار خود قرار می‌دهد. این روند ادامه می‌یابد تا زمانی که دوازدهمین امام شیعیان به فرمان خدا از نظرها غایب شده و غیبت کباری وی آغاز می‌گردد.

با آغاز غیبت کباری میان علماء و دانشمندان شیعه بر سر این که اکنون وظیفه شیعه، علماء و دانشمندان شیعی چیست، اختلاف ایجاد می‌گردد. گروهی با عنوان این که حکومت از آن امام معصوم منصوب است و هر حکومتی به غیر از آن نامشروع می‌باشد، از دخالت در امور سیاسی و اظهارنظر در مورد آن خودداری می‌نمایند. در مقابل گروه دیگر ادعا می‌کنند که احکام اسلام منحصر به امور عبادی و وظایف فردی نیست بلکه اسلام، احکام مربوط به آنچه بشر در زندگی بدان نیازمند است و آنچه مربوط به دنیا و آخرت وی می‌باشد را بیان کرده است. از این رو معتقد به لزوم فعالیت سیاسی و اجتماعی از سوی علماء و دانشمندان شیعه می‌باشند. از سوی دیگر در بعد عملی، در برخی از رخدادهای سیاسی جامعه، رفتارهای متضاد و گاه متعارضی از فقیهان و مراجع شیعه دیده شده است. به عنوان نمونه در زمان مشروطه از یک طرف آخوند خراسانی فتوا به

حمایت از مشروطه می‌دهد و مخالفان آن را تکفیر می‌کند و از سوی دیگر شیخ فضل الله نوری فتوا به فساد مشروطه داده و مشروطه خواهان را تکفیر می‌کند. در نمونه‌ای دیگر، در سال ۱۳۳۲ مرحوم آیت‌الله بروجردی جلوس دوباره شاه پس از کودتای ۲۸ مرداد را به وی تبریک می‌گوید<sup>۳</sup> و در مقابل امام خمینی(ره) حکم به لزوم سرنگونی همین شاه می‌دهد و در سال ۱۳۵۷، شاه توسط وی سرنگون می‌شود. جالب این که هم‌زمان با هر کدام از مراجع یاد شده، مراجع دیگری نیز بوده‌اند که برخلاف نظر آنها حکم داده و عمل نموده‌اند. حال چگونه می‌توان این رفشارهای به ظاهر متضاد و متعارض را توجیه نمود؟ چه عامل یا عواملی باعث می‌شوند که مراجع در سیاست دخالت نموده و این گونه رفтарهای متعارض از خود نشان بدھند؟

از آنجایی که مراجع تقلید شیعه به واسطه موقعیت دینی و اجتماعی خود در میان شیعیان از نفوذ فراوانی برخوردار هستند و نیز با توجه به شناختی که از احکام و تعالیم دین اسلام و مذهب تشیع دارند، نگاه و موضع آنان نسبت به حکومت و مسایل سیاسی جامعه اهمیت فراوانی دارد و روشن شدن این موضوع می‌تواند کمک زیادی به مباحث مربوط به رابطه دین و سیاست و دولت دینی شود اما با توجه به این که سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ سال‌های گذار محسوب شده و ایران و جهان اسلام با تحولاتی هم در درون و هم در برون مواجه می‌شوند؛ بررسی رفtar سیاسی مراجع شیعه در این سال‌ها اهمیت بیشتری دارد. در این سال‌ها هم با مرجعیت واحد و متمرکز روپرتو هستیم و هم با مرجعیت نامتمرکز. روابط ایران با جهان خارج به ویژه غرب گستردگی شده و ریشه‌های انقلاب اسلامی و مباحث دولت دینی به این سال‌ها برمی‌گردد. بنابراین ضرورت دارد رفtar سیاسی مراجع شیعه در این سال‌ها مورد بررسی قرار گیرد و گونه‌های رفtar سیاسی مراجع مشخص شود.

با توجه به مطالبی که در پیش بدان‌ها اشاره شد؛ این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش اصلی است که رفتار سیاسی مراجع تقلید شیعه در سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ به چند گونه تقسیم می‌شود؟ در پاسخ به این پرسش تلاش می‌شود تا به پرسش‌های زیر نیز پاسخ داده شود:

عوامل و انگیزه‌های اصلی رفتار سیاسی مراجع شیعه چیست؟ پشتونه نظری و فکری رفتار سیاسی مراجع شیعه چیست؟ فقهه شیعه در مورد سیاست و حکومت چه نظری دارد؟ فقهه شیعه در چه حوزه‌هایی از حکومت حرف برای گفتن دارد؟ نظریه‌های دولت و حکومت در فقهه شیعه کدامند؟ مراجع شیعه در رفتار سیاسی خود چه اقدام‌هایی را برای تحديد قدرت استبدادی انجام داده‌اند؟ مراجع شیعه در رفتار سیاسی خود چه اقدام‌هایی را برای براندازی حکومت پادشاهان انجام داده‌اند؟ و...

در اینجا لازم است از «رفتار سیاسی»<sup>۴</sup> تعریفی ارائه شود تا خوانندگان محترم در ادامه متن دچار ابهام نشوند و نظر نگارنده نیز بهتر فهمیده شود. در این نوشتار سیاست، به معنی «تبییر برای برطرف نمودن نیازمندی‌های افراد جامعه به شکلی شایسته و تنظیم روابط درونی و بیرونی ملت به بهترین شیوه» تعریف می‌شود.

در فرهنگ اصطلاحات سیاسی در تعریف رفتار سیاسی آمده است: «این واژه برای اشاره به فعالیت سیاسی افراد و پیامدهای آن برای نهادهای سیاسی به کار می‌رود». در روان‌شناسی سیاسی نیز گفته می‌شود که نظریه‌های سیاسی تا حدودی وجهه ذهنی رفتار سیاسی افراد را باز می‌تابانند.<sup>۵</sup> با این وجود برای فهم بهتر رفتار سیاسی باید به رویکرد رفتارگرایی در علوم سیاسی نیز اشاره‌ای نمود. در رویکرد رفتارگرایی، کنش و واکنش افراد در حالت‌ها و شرایط مختلف مورد مطالعه قرار می‌گیرد.<sup>۶</sup> رفتارگرایان در پی آنند تا بدانند وقتی انسان‌ها به کنش سیاسی می‌پردازند -

وقتی در مورد سیاست بحث می‌کنند؛ رأی می‌دهند؛ با مسئولان دولتی تماس برقرار می‌کنند؛ در تظاهرات شرکت می‌نمایند؛ شورش می‌کنند و یا با هر راه دیگری اعتقادات سیاسی خود را ابراز می‌دارند – آنها واقعاً چه می‌کنند.

همچنین ممکن است در حوزه رفتار سیاسی، عقیده‌ها و فعالیت‌های سیاسی گروه‌ها، نهادها و حتی دولت‌ها نیز مورد مطالعه قرار گرفته و برای مثال از رفتار سیاسی یک دولت خاص در قبال یک رویداد معین سخن به میان آید.<sup>۸</sup>

بنابراین هرگاه دانشمندان علوم سیاسی، اطلاعاتی را در اختیار داشته باشند که از نظر آنها شواهدی قابل اعتماد در مورد حقایق رفتار سیاسی باشد، به جستجوی این امر می‌پردازند که انگیزه‌های این رفتار را کشف کنند. کنش‌گر سیاسی چه چیزی را احساس می‌کند یا به چه چیزی اعتقاد دارد یا به چه می‌اندیشد که باعث می‌شود وی به آن گونه خاص عمل کند؟ گاهی اوقات رفتارگرایان، این پرسش را نیز مطرح می‌کنند که چه عواملی با داشتن این احساسات، عقاید و افکار خاص مرتبط است؟ آیا بزرگ شدن در نوع خاصی از محیط خانوادگی یا داشتن نوع خاصی از شغل بر چگونه بودن یا چگونه عمل کردن یک کنش‌گر سیاسی تأثیر دارد؟ لاؤسون معتقد است که نگرش‌ها، عقاید، افکار، منافع و ارزش‌های افراد، انگیزه‌های رفتار سیاسی فرد را تشکیل می‌دهند.<sup>۹</sup>

برای مطالعه و تبیین رفتار سیاسی افراد، رهیافت‌های مختلفی ممکن است به کار گرفته شود. همه این رهیافت‌ها در پاسخ به این پرسش پدید آمده‌اند که چرا انواع متفاوتی از رفتار سیاسی از افراد سرمی‌زنند. از جمله مهم‌ترین این رهیافت‌ها می‌توان به رهیافت «شرایط محیطی»، رهیافت «ابزاری»، رهیافت «ویژگی‌های فردی»، «رهیافت شخصیت» و رهیافت

«جامعه‌پذیری سیاسی» اشاره کرد اما نکته مهم این است که هیچ یک از این رهیافت‌ها نمی‌تواند به تنها‌ی در مورد کلیه رفتارهای سیاسی تبیین کاملی ارائه کند و ترکیبی از رهیافت‌های مزبور در جهت فهم و تبیین رفتار سیاسی مفیدتر خواهد بود.

از این رو هر گونه کنش و واکنش از سوی مراجع تقلید در پرداختن به مباحث نظری در مسایل سیاسی و هر گونه ایفای نقش آنان در مسایل و رخدادهای سیاسی زمانه به عنوان رفتار سیاسی مراجع تقلید شیعه مورد بررسی و کاوش قرار خواهد گرفت. البته در این کتاب رفتار سیاسی مراجعی مورد بررسی قرار می‌گیرد که هنگام زندگی خود در زمرة فقیهان و مراجع تقلید مشهور و زبانزد عام و خاص بوده و به مسایل و رویدادهای سیاسی زمانه خود نیز پرداخته باشند.

به تناسب این نوشتار تلاش شده است تا منابع پژوهشی حتی الامکان از آثار خود متفکران و مراجع شیعه و نیز اسناد و مدارکی که از آنها در دست است، مورد استفاده قرار گیرد. همچنین به لحاظ تاریخی از گزارش‌های معتبر تاریخی مربوط به دوران مورد بحث تا آنجا که ضرورت داشته، بهره گرفته شده است. با این وجود تلاش شده است تا مطالب و پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام شده نیز مورد مذاقه قرار گیرد. مطابق معمول در چنین پژوهش‌هایی، روش گردآوری داده‌ها و مواد اولیه پژوهش، «کتابخانه‌ای» است و برای نتیجه‌گیری از داده‌ها و اطلاعات موجود از الگوی «تحلیلی- توصیفی» استفاده شده است.

با توجه به الزامات موجود پژوهش حاضر در دو بخش تنظیم شده است: بخش نخست به کلیات مفهومی و تاریخی اختصاص یافته و مبانی و نظریه‌های حکومت در اندیشه سیاسی شیعه مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین تلاش شده است تا رفتار سیاسی مراجع تقلید شیعه در دوره‌های

مختلف رشد و نمو فقه شیعه بررسی گردد و به اوضاع سیاسی و اجتماعی هر دوره اشاره‌ای گذرا شود.

بخش دوم به بررسی گونه‌های رفتار سیاسی مراجع تقلید شیعه در سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ اختصاص یافته و تلاش شده است تا رفتار سیاسی آیات عظام و مراجع تقلید بروجردی، خمینی، گلپایگانی، شریعتمداری، میلانی، خوانساری، خویی و حکیم در فصل‌های جداگانه مورد بررسی قرار گیرد. در پایان امیدوارم خلاف حق گام برنداشته و سخنی غیر حق نگفته باشم و در عین حال زمینه‌ای برای پژوهش‌های مناسب‌تر و کاربردی‌تر فراهم کرده باشم. امیدوارم پژوهش حاضر، نخست مورد عنایت پیامبر اسلام(ص) و ائمه اطهار(ع) و در مرحله دوم مورد استفاده خوانندگان محترم قرار گیرد و انگیزه‌ای برای تداوم بررسی این موضوع برای خود و ایشان فراهم نماید.

اینک با اعتراف به اینکه پژوهش حاضر دچار ضعف‌ها و کاستی‌های فراوان است، بر خود لازم می‌دانم ضمن پذیرش مسؤولیت همه این ضعف‌ها از اساتید گران‌قدرم به ویژه آقایان دکتر غلامرضا خواجه سروی، دکتر سید محمدرضا احمدی طباطبائی و دکتر جلال درخشش که در مراحل مختلف تدوین این اثر مرا از راهنمایی‌های ارزنده خود بهره‌مند نموده‌اند، صمیمانه سپاس‌گزاری و قدردانی نمایم. همچنین از آقای دکتر اصغر افتخاری معاون محترم پژوهشی دانشگاه امام صادق(ع) و همکاران محترم ایشان در آن معاونت که زمینه چاپ این اثر را برای اینجانب فراهم نمودند و همه کسانی که امکان ذکر نامشان در اینجا نیست و شایسته قدردانی هستند، صمیمانه سپاس‌گزاری می‌نمایم.

**سید حسن هاشمیان فر**

## منابع و مأخذ

۱. امام علی(ع)، غررالحكم و دررالحكم ، پدیدآورنده: عبدالواحدبن محمد، مترجم: محمدعلی انصاری کرمانی، تهران، بی‌نا، ۱۳۷۷ . کلام ش ۱۰۱۰۹ .
  ۲. امام علی(ع)، نهجالبلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، خطبه، ۴۰، ص ۳۹ .
  ۳. حسینیان، روح الله، بیست سال تکاپوی اسلام شیعی در ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۲۶۶ .
4. Political behavior
۵. آقابخشی علی، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۴، ص ۲۵۶ .
  ۶. فتحی آشتیانی علی، روان‌شناسی سیاسی، تهران: مؤسسه انتشارات بعثت، ۱۳۷۷، ص ۲۰ .
  ۷. کاظمی سید علی اصغر ، روش و بیش در سیاست، تهران؛ مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴، ص ۱۳۴ .
  ۸. کاظمی سید علی اصغر ، پیشین، ص ۱۲۹ .
  ۹. تاج مزینانی علی اکبر ، رفتار سیاسی جوانان در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام علیه السلام

## مقدمه

### فقه سیاسی شیعه؛ از حاشیه تا متن

دکتر غلامرضا خواجه سروی

## کلیات

اسلام دینی سیاسی است و در میان مذاهب اسلامی، تشیع بیش از دیگر مذاهب این ویژگی را حفظ کرده است؛ بدین معنی که درباره ساختار و نظام سیاسی مطلوب، شاخص‌ها و احکام صریح و شفافی را مطرح می‌کند که از متن قرآن کریم، سیره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و روایات امامان معصوم علیهم السلام استنباط و استنتاج شده‌اند. علاوه بر این، اسلام پیروان خود را به ایفای نقش فعال و مؤثر برای تصحیح و اصلاح روند سیاسی جامعه و نظارت بر عملکرد والیان و مدیران جامعه – نه تنها تشویق و دعوت بلکه مکلف ساخته است. وجه اجتماعی انسان و نوع روابط و تعاملات حکومتی مسلمانان چنان قوی است که بخش عمده‌ای از احکام عملی اسلام – مستقیم یا غیرمستقیم – به آن مربوط می‌شود. حکم حاکم حتی در برخی مصاديق و شئون عبادات به معنای اخص، از قبیل نماز، روزه، حج و... منشاء اثر و گره‌گشا یا تکلیفساز است. این پیوند در مباحثی مانند حدود، دیات، معاملات، نکاح و... بسیار روشن است. از جنبه سلبی نمی‌توان انکار کرد که اسلام به پیروان خود اجازه نمی‌دهد که حکم و حاکمیت طاغوت – هر

قدرت و مرجع فاقد مشروعیت دینی-را پذیرند و همین به معنای پیوند عمیقی است که اسلام با سیاست دارد (ذوعلم، ۱۳۸۴: ۳۷).

درست به همین خاطر پیوند عمیق دین و سیاست در اسلام، روحانیت شیعه محور اصلی بسیاری از تحولات فکری-فرهنگی و سیاسی در ایران بوده است. از همین روست که بسیاری از پادشاهان و حکام مستبد به منظور رسیدن به اهداف خود سعی کرده‌اند با مراجع بزرگ مذهبی و علماء به گونه‌ای رفتار کنند که موقعیت خود را در خطر قرار ندهند. این خصوصیت دین‌باوری مردم ایران و قدرت علماء و روحانیون که از تعلیمات تشیع و قداست‌بخشی به روحانیت نشأت گرفته، باعث شده است که مردم - که اکثر آنان مسلمانان شیعه مذهب‌اند - در تمامی مسائل از آنها پیروی کنند. پیروی از علماء و مراجعه مردم به آنان در مسائل شرعی و دینی در زمان غیبت امام دوازدهم، حضرت مهدی(عج)، رفته رفته موجب ایجاد نهاد مرجعیت دینی و تقویت آن در طول تاریخ تشیع شده است. این نهاد دینی در طول تاریخ حیات خود دارای استقلال اقتصادی بوده است و از آنجا که مراجع خود را ناییان امام زمان(عج) می‌دانسته‌اند، نه حکم مرجعیت و زعامت خود را از حکام می‌گرفته‌اند و نه از لحاظ اقتصادی به حکومت‌ها واپسیه بوده‌اند. این نهاد در زمان‌های مختلف کارکرد سیاسی نیز پیدا کرده است و مراجع شیعه بر سیاست تأثیر نهاده‌اند. قاعده‌تاً این مشارکت در سیاست مبانی و زیربنایی داشته است که در اینجا بدان‌ها می‌پردازیم.

#### ۱. دوره اول: حاشیه‌نشینی فقه سیاسی شیعه

ساخت عمومی فرهنگ سیاسی شیعه متأثر از دو دسته عوامل نظری و تاریخی می‌باشد. منظور از عناصر نظری، آموزه‌ها، باورها، نهادها و سنت‌های مذهبی شیعیان است که بالقوه مشوق و محرك نگرش سیاسی - انقلابی در

پیروان و معتقدین به این مذهب می‌باشد. مهم‌ترین این عناصر اصول امامت، اجتهاد، غیبت و انتظار، تقیه، شهادت، عدالت، آزادی و حریت، امر به معروف و نهی از منکر، جهاد، تولی، تبری، عاشورا و سوگواری و تعزیه می‌باشد (لطیف‌پور، ۱۳۷۹: ۶۳).

دو اصل عدل و امامت از اصولی هستند که علاوه بر سه اصل توحید، نبوت، و معاد به صورت اصول اختصاصی شیعه قلمداد می‌شوند. عدل در مفهوم سیاسی و اجتماعی در برابر ظلم قرار می‌گیرد. بدین ترتیب عدل عبارت است از رعایت حقوق افراد و اعطاء کردن حق به ذیحق. شیعه احراز عدالت را برای تصدی مسئولیت‌های اجتماعی مانند حکومت، امامت جموعه و جماعت و قضاؤت لازم شمرده است. طبق نظریه امامت همچنان که در طول حیات رسول الله(ص) هر دو اقتدار سیاسی و دینی در وجود شخص پیامبر(ص) جمع آمده بود، امامان و جانشینان او نیز وارثان حقیقی هر دو اقتدارند. اگرچه این حق به علت شرایط نامساعد تاریخی جز برای امام اول اما اصولی بنیادین در آن دیشه تشیع بوده است (غفاری، ۱۳۸۳: ۲۱۸-۲۱۵).

اعتقاد به این دو اصل موجب شده تا تشیع ولایت و حکومت غیرمعصوم را نامشروع بداند. به این ترتیب، آنچه شیعیان را از سایر مسلمانان متمایز می‌سازد، اعتقاد آنان به نامشروع بودن حکومت غیرمعصوم است که جوهره این اعتقاد، روح انقلابی را در اذهان پیروان این فرقه می‌پروراند. بنابراین یکی از اساسی‌ترین امور در حیات اجتماعی شیعه، سیاست و حکومت است که شیعه آن را یکی از امور خاص ائمه می‌داند و همین اعتقاد، منجر به این شده که از هر گونه مدارا و سازش‌کاری در برابر حاکمیت‌های جور بپرهیزد و همواره در موضع اعتراض به سر برداشده شیعه همواره سایر حاکمیت‌ها را بلااستثنایاً - به جز ولایت معصوم یا نایابان خاص

یا عام آنها- از اساس غاصبانه، استبدادی و طاغوتی دانسته و مشروعیت آنها را نفی کرده است (صدراء، ۱۳۸۰: ۴۵).

نگرش انتقادی و انقلابی تشیع موجب شد تا به تهدیدی جدی برای نظام‌های سیاسی غاصب تبدیل شود. از این رو امامان شیعه از دوره حکومت بنی عباس در کنار طرح و بسط اندیشه سیاسی و اجتماعی شیعه، استراتژی عملی و عقلی تقيه را در پیش گرفتند.

تقيه نزد اهل زبان به معنای «خویشنده‌داری و مراقبت و پرهیز کردن» است و در اصطلاح فقیهان «پنهان نمودن اعتقاد باطنی و کتمان در برابر مخالفان به خاطر گریز از زیان‌های دینی و دنیوی» است. در اصطلاح سیاسی آن، راهبردی عملی و عقلانی است که بر اساس آن هرگاه انسان با تراحم دو امر اهم و مهم قرار گیرد، انتخاب آگاهانه و هوشمندانه آن است که در عرصه رفتار اجتماعی موضوع "اهم" را انتخاب کند و از زیان‌های ناشی از حکم "مهم" جلوگیری کند. فضای مفهومی تقيه و مفاهيم همسو نشان‌دهنده آن است که تقيه در راستای انجام وظيفه و مسئولیت الهی انسان مسلمان است تا موانع را از سر راه بردارد و اسرار را کتمان کند و با مدارا و مسامحه با دشمن، از خسارات‌های جانی و مالی اجتناب کند و با جلب نظر آنها در شرایط مناسب حق را اظهار نماید.

اصل تقيه در اندیشه شیعه، گفتمان انقلابی و خردمندانه‌ای را سامان داده که می‌تواند استعدادها و نیروها و دغدغه‌های پراکنده را ذخیره کند و یا از اتلاف فرصت‌ها آنها را در شرایط متناسب به انقلاب تبدیل نماید. شیعه در میان فرقه‌های مختلف اسلامی خود را مذهب حقه می‌داند و با اتخاذ گفتمان تقيه در دوران خفقان خلفای عباسی نه تنها برای حفظ خود بلکه برای حفظ کیان اسلام اقدام می‌کرده است و البته مرزهای این تقيه تا زمانی بوده که موجب شر و فساد و یا تقویت کفر و بی‌ایمانی و گسترش ظلم و

جور و تزلزل در اصول و ارکان اسلام نباشد والا خروج از تقيه واجب می‌شده است. به اين ترتيب، اقليل شيعه در برابر اكثريت مخالف، از تقيه به عنوان سپر مبارزه استفاده مي‌كرده است (مهاجرنيا، ۱۳۸۲: ۵۹).

راهبرد تقيه در دوره غيبيت كبرى نيز به عنوان اصلی پذيرفته شده در عمل و انديشه شيعه حفظ می‌شود. انديشمندان شيعه به لحاظ دو مبنای «ضرورت نظم سياسى» و «وجوب تقيه» ديدگاه‌های سياسى و فقهى خود را در زمان غيبيت بسط داده‌اند. کسانى که معتقد به «وجوب تقيه» هستند، بيان می‌کنند که اصولاً عصر غيبيت، زمان تقيه است. بنابراین لازم است از هر گونه تلاش برای تاسيس نظام سياسى و اجرای احکام اجتماعی اسلام پرهيز نمود و به زندگى تقيه‌آميز در حکومت جائز اكتفا کرد (نجفى، ۱۳۷۶، ج ۲۲: ۱۹۵).

اين اصل موجب شد تا در مكتوبات فقهى سده‌های ميانه تاريخ شيعه، فقهاء به صورت مستقل به فقه سياسى نپردازنند. انديشه‌های سياسى فقهاء بيشتر در متن گزاره‌های فقهی انعکاس يافت و كمتر فصول يا ابواب به طور خاص به اين موضوع اختصاص پیدا کرد. از اين رو، فقهاء‌ي چون شيخ‌مفید که سعى داشته‌اند ایده‌های سياسى فقه تشيع را مورد بررسی قرار دهنند، به صورت ضمنی به آنها پرداخته‌اند (شيخ مفيد، ۱۴۱۰: ۸۱).

با توجه به اين شرایط ما شاهد بسط ابعاد انديشه فقهى در دو عرصه رابطه انسان با خدا و انسان با انسان هستيم که در ابواب فقهى و عبادات، محترمات، مکاسب و... تجلی می‌يافت. به همين نسبت در گفتمان فقهى انديشه سياسى فقهى در موضع مناقشات فقهاء قرار نمي‌گيرد.

## ۲. دوره دوم: بسط سیاسی در متن اندیشه تشیع

با تأسیس حکومت صفویه برای اولین بار روحانیت شیعه توانست نقش تأثیرگذاری در تمامیت قدرت سیاسی پیدا کند. به دنبال توسعه تشیع در عهد صفوی، شیعه دیگر امکان این را یافت که به صورت آزادانه‌تری به اندیشه و عمل سیاسی وارد شود اما این جریان در دوره قاجار نمود بازتری یافت؛ چرا که روحانیت با تلاش خود در طول قرن‌ها توانسته بود به بالاترین مشروعیت معنوی و دینی در ایران مبدل شود که توان بسیج توده‌ها را یافته بود. این واقعیت در واقعه تحريم توتون و تباکو در دوره قاجار نمود عینی و جدی پیدا کرد.

تحت تأثیر تحولات اجتماعی- سیاسی اواخر دوره قاجار، گرایشات فقه سیاسی شیعه تقویت یافت. در این دوره مفهوم «امور حسیبه» به مفهومی مهم در گفتمان فقهی شیعه تبدیل شد. امور حسیبه، اموری است که در هیچ شرایطی شارع مقدس راضی به ترک آنها نیست. همچنین از آنجا که این امور از واجبات کفایی محسوب نمی‌شوند، انجام آنها بر همه واجب نیست و حتی در مورد غیرفقیه هم هیچ دلیلی بر جواز انجام آنها وارد نشده است. بنابراین فقیهان عادل، تنها افراد مجاز به تصرف در این امور محسوب می‌شوند. این گونه امور هرگز از مسائلی همچون سرپرستی افراد بی‌سرپرست تجاوز نکرده است (کدیور، ۱۳۷۶: ۳۵). جریان مهمی از فقهاء در این دوره همچنان پژوهش فقهای سده‌های میانه را دنبال کردند و حوزه ولایت فقه را تنها به امور حسیبه محدود می‌دانستند. در نظر این عده ولایت به هیچ روی مفهومی سیاسی نبود و تنها اولویت فقهاء را در این محدوده معین دلایت می‌کرد. این گروه از فقیهان معتقد به جواز تصرف فقیهان عادل در امور حسیبه به عنوان قدر متین هستند. از نظر ایشان ولایت، تنها به پیامبر اکرم(ص) و امامان(ع) اختصاص دارد و دلایل فقهی بر ولایت دیگران

دلالت ندارد و فقیهان چه در امور حسیبیه و چه در خارج از آن فاقد ولایت شرعی می‌باشند اما در حوزه امور حسیبیه، فقیهان عادل، قدر متین افراد مجاز به تصرف محسوب می‌شوند و در صورت نبود فقیهان عادل یا عدم بسط ید ایشان، مومنان عادل متصلی امور حسیبیه هستند (کدیور، ۱۳۷۶: ۳۴-۳۵).

از نظر آیت‌الله خویی ولایت فقیه بنابر نصب در بعضی امور ثابت است. ایشان معتقد است که هیچ تردیدی وجود ندارد که در بعضی از جاهای فقیه دارای ولایت می‌باشد و این ولایت هم از راه اجماع و هم نص ثابت است و قدر متین از آن دو راه، همان ولایت بر قضاوت می‌باشد. ایشان اضافه می‌کند که ولایت فقیه در امور حسیبیه ثابت است؛ مانند ولایت بر صغیر و وقف و حفظ مال یتیم و موقوفه و صرف آن درصالح مسلمین و موقوف علیهم و قدر متین از ولایت بر امور حسیبیه فقیه جامع الشرایط است (المرعشی، ۱۳۷۳: ۲۲۰-۲۱۹). آیت‌الله خونساری نیز معتقد به تصرف فقیهان عادل در امور حسیبیه به عنوان قدر متین می‌باشد و ولایت را تنها از آن پیامبر اکرم(ص) و امامان معصوم(ع) دانسته و در ادله فقهی دلیلی بر ولایت دیگران نیافته است.

در مقابل این جریان برخی دیگر از اندیشمندان شیعه در این دوره، با تاکید بر ضرورت استمرار زندگی عمومی و نظم سیاسی شیعیان در دوره غیبت، در جستجوی نظام‌های - هرچند لزوماً ناقص اما - مشروعی برآمدند که جایگزین امامت امام معصوم(ع) در زمان غیبت باشند. این گروه برای مدعای خود دلایلی را مطرح می‌نمایند. از جمله: جامعیت دین اسلام و سیره عملی پیامبر(ص) که حاکی از امتزاج دین و سیاست است. با بررسی و کاوش در آراء و نظریه‌های این گروه از اندیشمندان و فقیهان شیعه (معتقدان به ضرورت نظم سیاسی) شاهد تولد مفاهیم تازه‌ای در گفتمان فقهی عصر

جدید هستیم که در دوران قبل در ادبیات فقهی وجود ندارد. در متون فقهی این دوره ما شاهد طرح دو نوع مبنای مشروعیت سیاسی هستیم: یکی مشروعیت الهی بلاواسطه و دیگری مشروعیت الهی - مردمی.

از نگاه معتقدان به مشروعیت الهی - مردمی، خداوند تدبیر سیاسی امت اسلام را به خود ایشان تفویض کرده تا در چارچوب ضوابط دینی حاکمیت خود را اعمال نمایند. مردم از سوی خداوند، حاکم بر سرنوشت اجتماعی خویش می‌باشند و احدهی حق ندارد این حق الهی را از ایشان سلب کند. رای مردم تا زمانی که در راستای اهداف دین باشد و با احکام شرع ناسازگاری نداشته باشد، دخیل در مشروعیت است. عدم ناسازگاری قوانین مصوب مردم با احکام شرع می‌تواند با نظرارت فقیهان امت تامین شود. از نظر معتقدان به مشروعیت الهی بلاواسطه فقیهان، ولایت الهی در تدبیر امور اجتماعی و مدیریت سیاسی جامعه به شکل مستقیم به پیامبر اسلام(ص) تفویض شده است و پس از وی نیز امامان معصوم(ع) به ولايت سیاسی بر امت منصوب شده‌اند. همچنین در روزگار غیبت امام معصوم(ع) هم فقیهان عادل از سوی امام معصوم(ع) عهده‌دار اداره جامعه می‌باشند (کدیور، ۱۳۷۶: ۴۸). نکته‌ای که باید بدان توجه نمود و از اهمیت بالایی نیز برخوردار است، توجه به این اصل است که به لحاظ فقهی، اصل بر «عدم ولایت» است؛ به این معنا که کسی بر دیگری بدون دلیل معتبر ولایت ندارد و دیگران هم حق دخالت در سرنوشت او ندارند (امام خمینی، ۱۳۶۳: ۱۴۴).

مراجعی همچون آیت‌الله بروجردی، آیت‌الله خمینی، آیت‌الله گلپایگانی، آیت‌الله شریعتمداری، آیت‌الله میلانی و آیت‌الله حکیم معتقد به مشروعیت الهی بلاواسطه فقیهان هستند.

آیت‌الله بروجردی از نظر سیاسی معتقد به ولایت فقیه می‌باشد. ایشان در عین حال که دولت را غاصب و اعمال آن را فاقد مشروعیت می‌داند اما

به خاطر مصلحت عمومی، اقدامات دولت را از باب ولایت تنفیذ می‌نماید (حسینیان، ۱۳۸۰: ۴۰۶). به نظر ایشان فقیه، جانشین امام معصوم(ع) در تمام امور عامه می‌باشد (جعفری هرندي، ۱۳۷۸: ۲۸۷). آیت‌الله بروجردی برای اولین بار در یک متن فقهی شیعه بر امتzag دیانت و سیاست پا می‌فشارد و مسائل سیاسی و تدبیر امور اجتماعی در جامعه اسلامی را از وظایف فقیهان اعلام می‌کند و در کتاب قضا به طرح ولایت فقیه می‌پردازد (کرباسچی، ۱۳۸۰: ۱۷۸). وی ولایت فقیه را از ضروریات اسلام معرفی می‌کند (دوانی، ۱۳۷۱: ۳۴۳). آیت‌الله بروجردی تاکید می‌کند که بی‌تردید سیاست بلاد و تامین جهات اجتماعی در دین اسلام، جدای از جهات روحانی و شئون مربوط به تبلیغ احکام و ارشاد مسلمانان نیست. بلکه از همان صدر اسلام سیاست با دیانت درهم آمیخته و سیاست از شئون دیانت محسوب می‌شده است (منتظری، ۱۳۶۷، ج: ۲: ۲۴۷).

از نظر آیت‌الله گلپایگانی در زمان غیبت در صورت امکان باید حکومت اسلامی تشکیل شود. ایشان در کتاب «مجمع المسائل» به تلازم اعتقاد به ولایت ائمه و ضرورت تشکیل حکومت اسلامی در زمان غیبت اشاره می‌کند (امامی، ۱۳۸۲: ۲۴۵) و معتقد است که اگر اسلام نظارت، ارشاد، امر به معروف و نهی از منکر و جهاد و دفاع دارد و اگر از حدود و مقررات و قوانین اجتماعی جامعی برخوردار می‌باشد، نشان‌دهنده آن است که اسلام دارای یک تشکیلات همه جانبه و یک حکومت است. اسلام تنها به مسائل اخلاق و عرفان و وظیفه فرد نسبت به خالق خود یا نسبت به انسان‌های دیگر نپرداخته است؛ بلکه اسلام آمده است تا جلوی همه مکاتب باطل را بگیرد و تجاوز و استبداد طاغوتیان را درهم شکند. پس چنین هدف و انگیزه‌ای بدون حکومت و سیاست هرگز ممکن نمی‌شود (امامی، ۱۳۸۲: ۱۴).

آیت الله شریعتمداری مقام مرجعیت شیعه را نماینده واقعی مردم مسلمان می‌داند و معتقد است که اکثریت مردم، پشتیبان مرجع تقلید بوده و از وی تبعیت می‌کنند (دوانی، ج ۷: ۱۴۱). از نظر ایشان علمای اعلام و مبلغان عالیقدار اسلام، رکن دین بوده و از وزنه‌های بزرگ کشور و سنگر استقلال مملکت می‌باشند. این علماء هستند که همواره در موقع حساس و گرفتاری‌های گوناگون دینی و اجتماعی از هرگونه فدکاری دریغ ننموده‌اند. ایشان هدف علمای شیعه را احیای قوانین اسلام و تامین صالح کشور و پاسداری از اصول آزادی و انسانیت می‌داند (دوانی، ج ۴: ۲۴۴). ایشان به بحث ولایت فقیه در زمان غیبت اشاره می‌کند و بر این اعتقاد است که ولایت فقیه بیشتر در جاهایی است که صاحب ندارد. به عنوان مثال، ایشان به سقوط رژیم شاه اشاره می‌کند و می‌گوید: چون پس از سقوط شاه، دولت وجود نداشت، دولت موقت با نظر ولایت فقیه تعین شد. آیت الله شریعتمداری بر این اعتقاد است که خداوند، حاکم می‌باشد و در قانون اسلام، حکومت، الهی و تایید و تبعیت آن از طرف مردم می‌باشد. حکومت باید حکومت مردم بر مردم باشد و کسی که به حکومت رسیده نماینده مردم است. بنابراین پیدایش حکومتهای ظالمانه و به روی کار آمدن حکام فاسد هیچ منشاء قرآنی و اسلامی ندارد بلکه آن را زاییده نظام فاسد انسانی می‌داند (دوانی، ج ۷: ۱۷۰-۱۷۱).

آیت الله میلانی معتقد است که مسائل دین، درگیر با تمام روابطی است که در زندگی اجتماعی به چشم می‌خورد و بررسی مسائل دین به صورت انتزاعی و جدای از مسائل اجتماعی اشتباه می‌باشد و این امر موجب می‌شود که در بسیاری از موارد رابطه‌ها حاکم شود و به جایی نرسد. ایشان از لحاظ علمی به ویژه تسلط بر عرفان و فلسفه بسیار به امام نزدیک می‌باشد (جلالی، ۱۳۷۸: ۹۵) و در رفتار و حرکت‌های سیاسی خود به ایجاد رابطه با

همه افشار مردم و گروه‌ها به ویژه روشنفکران دینی توجه می‌کند و از حرکت‌های نوین مذهبی و نگرش‌های نو به مسائل دین حمایت می‌کند و معتقد است که روحانیت از سوی خداوند متعال مامور حفظ ممالک اسلامی و استقلال آنها می‌باشد و ترک نصیحت و سکوت در مقابل خطرهایی که برای اسلام و استقلال مملکت پیش‌بینی می‌شود، جرم است و مقام روحانیت را همانند پدری می‌داند که دولت و ملت فرزندان او می‌باشند که هرگاه از آنها نگرانی داشته باشد، دخالت می‌نماید و با نصیحت و موقعه آنها را از کار خلافشان باز می‌دارد (آیت‌الله میلانی به روایت اسناد، ۱۳۸۰: ۴۵۹).

مهم‌ترین واقعه‌ای که در مقطع زمانی ۱۳۳۲-۵۷ رخ داد، مرجعیت امام خمینی(ره) و طرح حکومت اسلامی بود که تحولی بنیادین در پیکره روحانیت ایجاد کرد. امام خمینی(ره) با تدوین کتاب ولایت فقیه به طور واضح بحث مسئولیت سیاسی برای علماء را مطرح ساخت و اعلام کرد که اگر نقطه ابهامی برای رهبران وجود داشته باشد، باید با مشورت علمائی اسلام از بین بود و حقایق اسلام را علمائی اسلام به خوبی روشن سازند. یکی از جنبه‌های سیاسی اسلام که امام خمینی(ره) به عنوان رهبر روحانی بر آن تاکید می‌کرد، مشارکت سیاسی بود. وی روحانیان بی‌علاقه به امور سیاسی را سرزنش می‌نمود و از آن‌ها مکرر می‌خواست در مسائل سیاسی مداخله کنند. او با تاکید بر سیره پیامبر اسلام، حضرت محمد(ص) و ائمه معصومین(س) مداخله در سیاست را مسئولیت روشن روحانیت دانسته است. در اندیشه سیاسی امام عقیده بر این است که از همان آغاز شخصیت‌های بزرگ دینی با ظلم و ستم مخالفت می‌نمودند و خداوند متعال حضرت موسی(ع) را برای نابودی فرعون فرستاد.

امام قبل از شروع به ساختن و پرداختن انقلاب، با توجه به قاعده فقهی و عقلی "وجوب مقدمه امر واجب"، از سال ۱۳۲۳، یعنی زمان نوشتن کتاب "کشف الاسرار"، پی‌ریزی مقدمات انقلاب و مبارزه نظری با رژیم پهلوی را شروع کرد. مطابق نظریه سیاسی امام، لازم بود علمای اعلام و فقهای اسلام نسبت به تشکیل حکومت اسلامی، احساس مسئولیت و تکلیف کنند. امام فقهای را نه در لباس ساده مسئله‌گویان یا نصیحت‌پردازانی مخالف و موافق، بلکه در چهره صاحبان اصلی قدرت می‌دید (اخوان‌مفرد، ۱۳۸۶: ۸۳). از آنجا که چنین تلقی و تفکری در حوزه‌ها محلی از اعراب نداشت، عکس این مسئله نیز صادق بود؛ یعنی اغلب روحاًنیون در آن مقطع، دخالت در سیاست را یک امر مذموم تلقی می‌کردند؛ لذا می‌بینیم که تلاش عمده امام تا سال ۱۳۴۲ صرف مبارزه با جمود سیاسی حاکم بر حوزه علمیه و تلاش برای تربیت نیرو و کادرسازی برای انجام چنین مهمی یعنی انقلاب اسلامی شد (صبا غجدید، ۱۳۸۶: ۲۵۷).

حضرت امام خمینی(ره) در حوزه علمیه نجف اشرف، بحث ولایت فقیه را در تاریخ ۱۳۴۸/۱۱/۲۰ تا ۱۳۴۸/۱۱/۲۰ ه.ش در جلسات درس خارج فقه خود مطرح نمود؛ در آنجا چنین فرمودند:

«موضوع ولایت فقیه چیز تازه‌ای نیست که ما آورده باشیم؛ بلکه این مساله از اول مورد بحث بوده است. حکم مرحوم میرزا شیرازی (آیه‌الله العظمی میرزا محمدحسن شیرازی معروف به میرزا بزرگ)، وفات یافته ۱۳۱۲ ه.ق مرجع تقلید بعد از استاد اعظم شیخ انصاری) در حرمت تنباکو، چون حکم حکومتی بود، برای فقیه دیگر نیز واجب‌الاتّبع بود و همه علمای بزرگ ایران جز چند نفر از این حکم متابعت کردند. حکم قضاوی نبود که بین چند نفر سر موضوعی اختلاف شده باشد و ایشان روی تشخیص خود، قضاؤت کرده باشد؛ بلکه روی مصالح مسلمین و به عنوان ثانوی، این حکم

حکومتی را صادر فرمودند و تا عنوان (ادامه استعمار انگلستان در رابطه با دخانیات) وجود داشت؛ این حکم نیز بود و با رفتن عنوان، حکم هم برداشته شد و همچنین مرحوم میرزا محمد تقی شیرازی (وفات یافته ۱۳۳۸ه.) ق معروف به میرزا کوچک از مراجع بعد از میرزا شیرازی) که حکم جهاد دادند، البته اسم آن دفعاً بود و همه علماء تبعیت کردند؛ برای این است که حکم حکومتی بود. به طوری که نقل کردن مرحوم کشفالغطا (معروف به آیه‌الله شیخ جعفر کاشف الغطاء وفات یافته ۱۲۲۸ه.ق) صاحب کتاب کشفالغطاء در فقه استدلایل) نیز بسیاری از این مطالب را فرموده‌اند و از متاخرین مرحوم نراقی (ملااحمد، وفات یافته سال ۱۲۴۵ه.ق) همه شئون رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را برای فقها ثابت می‌دانند و مرحوم آقای نائینی (آیه‌الله حاج میرزا حسین نائینی وفات یافته به سال ۱۳۵۵ه.ق) نیز می‌فرمایند که این مطلب از حدیث مقبوله عمر بن حنظه استفاده می‌شود. در هر حال طرح این بحث تازگی ندارد و ما فقط موضوع را بیشتر مورد بررسی قرار دادیم و شعب حکومت را ذکر کرده و در دسترس آقایان گذاشتیم تا مساله روشن‌تر گردد».

امام خمینی رهبری و هدایت کردن مبارزات سیاسی را گوشه‌ای از وظایف و مسئولیت‌های رهبری دینی می‌داند. انقلاب اسلامی ایران و پیامدهای آن، جامعه سیاستمداران و اندیشمندان سراسر جهان را به شگفتی ودادشت. یکی از مصادیق بارز شگفتی ساز انقلاب از سوی نظریه پردازان غربی این بود که فقط روحانیان شیعه توanstه بودند قدرت را در دست گیرند. جامعه شناسان و نظریه‌پردازان می‌پنداشتند که به دلیل مبارزات چشم‌گیر و مدام گروه‌های آزادی‌خواه و ملی‌گرا در ایران، رهبری انقلاب اسلامی از میان شخصیت‌های آزادی‌خواه و ملی‌گرا انتخاب می‌شود اما انقلاب اسلامی این آینده نگری را با شکست مواجه ساخت و انقلاب نشان